

پیشگام در ادبیات و معانی درستی
پیشگام در ادبیات و معانی درستی

زیبانشناسی

● استعمال «که، دیگه، آخه، ما»

دکتر محمد رضا باطنی

در فارسی گفتاری

مقدمه

در هر زبان بین گفتار و نوشتار تفاوت‌هایی دیده می‌شود. چون و چند این تفاوت‌ها در زبان‌های گوناگون فرق می‌کند ولی تفاوت بین گفتار و نوشتار به طور کلی در هر زبانی وجود دارد و دلیل آن هم اینست که نوشتار محافظه‌کارتر است و پایه پای تحولات گفتار دگرگون نمی‌شود. این تفاوت‌ها ممکن است مربوط به تلفظ باشد چنانکه ما در فارسی گفتاری می‌گوییم «میره» / mire / ولی می‌نویسیم «می‌رود» / miravad /. یا ممکن است مربوط به کاربرد واژه باشد چنانکه در فارسی گفتاری واژه‌هایی مانند «یالقوز، خیت، چاخان، الم شنگه» را به کار می‌بریم ولی آنها را نمی‌نویسیم. نیز ممکن است این تفاوت‌ها از نوع دستوری باشد. مثلاً در فارسی گفتاری برای معرفه کردن اسم می‌توان واژه / e / را به دنبال اسم اضافه کرد (مانند: کتابه اینجا است) ولی در نوشتار برای معرفه کردن اسم یا آن را بدون هیچگونه علامتی به کار می‌بریم (مانند: کتاب اینجا است) و یا کلمه «آن» را پیش از آن قرار می‌دهیم (مانند: آن کتاب اینجا است).

همچنین ممکن است برخی از صورت‌های زبان در گفتار وظایفی متفاوت از وظایف خود در نوشتار یا وظایفی علاوه بر آنها به عهده داشته باشند. ما در این مقاله می‌کوشیم استعمال خاص «که، دیگه (دیگر)، آخه (آخر)، ها» را در فارسی گفتاری بررسی کنیم.

* این مقاله پیشتر به چاپ رسیده است. در اینجا با تغییراتی تجدید چاپ می‌شود.

استعمال «که» در فارسی گفتاری

«که» علاوه بر کاربردهای عادی خود در فارسی نوشتاری و رسمی، دارای موارد استعمال دیگری است که خاص زبان محاوره می‌باشد. قبل از اینکه یکایک این کاربردهای گفتاری را بررسی کنیم، باید به دو ویژگی کلی که درباره همه آنها صادق است اشاره کنیم.

نخست آنکه در کاربردهای گفتاری «که» همیشه نقش عاطفی به عهده دارد نه نقش دستوری. البته «که» در فارسی (نوشتاری و گفتاری) نقش دستوری نیز به عهده دارد و آن در صورتی است که اگر حذف شود، نظام جمله درهم می‌ریزد، مانند «که» در این جمله: «بچه‌ای که پنجره را شکست پسر همسایه ما است.» ولی وقتی می‌گوییم «که» صرفاً نقش عاطفی به عهده دارد منظور اینست که حذف آن نظام جمله را درهم نمی‌ریزد بلکه باعث می‌شود که رنگ عاطفی خاصی که در جمله وجود داشت از آن گرفته شود. این رنگ عاطفی بیان‌کننده طرز فکر یا نگرش گوینده نسبت به موضوع مورد بحث یا شخص مخاطب است، مانند «که» در جمله زیر: «این سوپ که بیخ کرده!» اگر «که» از این جمله حذف شود، ساختمان جمله سالم باقی می‌ماند ولی رنگ عاطفی جمله (که در این مورد نوعی اعتراض است) نیز با آن خواهد رفت.

ویژگی دوم اینست که عنصر «که» در کاربرد گفتاری خود هیچ وقت با آهنگ خیزان به کار نمی‌رود: یعنی آهنگ جمله‌ای که در آن قرار گرفته همیشه افتان است.^۱ مقصود از آهنگ خیزان اینست که صدا در پایان جمله زیرتر از آغاز آن باشد. آهنگ خیزان در فارسی ابزار دستوری اصلی برای ساختن جمله‌های پرسشی است.^۲ برعکس، آهنگ افتان، پایانی بم‌تر از آغاز خود دارد. آهنگ افتان شاخص عمده جمله‌های خبری در فارسی است.

کاربرد عاطفی «که»

گفتیم منظور از کاربرد عاطفی یک عنصر زبانی اینست که وجود آن در جمله نگرش

۱. از دکتر علی حقیق‌شناس سپاسگزارم که توجه مرا به افتان بودن آهنگ این جملات جلب کرد.
۲. جملات پرسشی در فارسی همیشه دارای آهنگ خیزان هستند مگر آنها که دارای کلمات پرسشی مانند چرا، چطور، کجا، و غیره باشند که در این صورت دو امکان خواهند داشت: داشتن آهنگ خیزان با آهنگ افتان. در هر صورت هیچ جمله پرسشی نیست که در زبان فارسی نتواند با آهنگ خیزان به کار رود. برای توضیح بیشتر نگاه کنید به: توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، محمدرضا باطنی، امیرکبیر، ۱۳۴۸، صفحات ۸۳ تا ۸۸.

خاص گوینده را نسبت به موضوع بحث یا نسبت به مخاطب بیان می‌کند. به این اعتبار «که» در فارسی گفتاری سه نوع کاربرد دارد.

۱. بیان نارضایی

در این کاربرد نقش «که» بیان نارضایی گوینده است. این نارضایی ممکن است از نوع رنجش، اعتراض، ناشکیبایی، شگفتی و مانند آن باشد. باید توجه داشت که در واقع نمی‌توان خط قاطعی بین این حالات عاطفی کشید و گاهی احساسی که در ما برانگیخته می‌شود ترکیبی است از همه اینها. به همین دلیل ما آنها را در یک حوزه عاطفی قرار می‌دهیم و بر این حوزه نام «نارضایی» می‌گذاریم. بر حسب موقعیتی که این ابراز نارضایی در آن صورت می‌گیرد می‌توان دو نوع بافت (context) باز شناخت: ابراز نارضایی در یک بافت زبانی و ابراز نارضایی در یک بافت غیرزبانی.

الف: ابراز نارضایی در بافت زبانی

در این مورد بافت زبانی گفتگویی است که بین دو یا چند نفر جریان دارد و یکی از گویندگان می‌خواهد به تمام یا بخشی از گفته گوینده دیگر اعتراض کند یا نوعی نارضایی را بیان نماید، مانند مثال‌های زیر:

گوینده اول	گوینده دوم	تعبیر نارضایی یا اعتراض
۱. کسی درباره این جلسه به من خبر نداد	ما که از شما دعوت کردیم	این حرف درست نیست! با وجود اینکه دعوتنامه برای شما فرستاده شده چرا می‌گویید کسی به شما خبر نداده است؟
۲. شما به هیچکدام از اعضای اصلی خبر ندادید	ما از شما که دعوت کردیم	چطور به اعضای اصلی خبر ندادیم؟ لاف‌زن شما که عضو اصلی هستید که دعوت شدید.
۳. از راه نرسیده بنای داد و فریاد را گذاشت	شما که هنوز کاری نکرده‌اید	چگونه «فصاحص قبل از جنایت» می‌کنید؟
۴. شما باید هزار تومان به من بدهید	شما هنوز که کاری نکرده‌اید	کار نکرده پول برای چه مطالبه می‌کنید؟
۵. من احمد را هم دعوت کرده‌ام	احمد اینجا نیست که	وقتی نیست چطور او را دعوت کرده‌ای؟



به طوری که ملاحظه می شود جای «که» در جمله متغیر است: می تواند پس از فاعل یا مفعول یا قید یا در پایان جمله قرار گیرد. گاهی این جابجایی اختلاف نسبتاً آشکاری در مفهوم به همراه دارد، مانند مثال های ۱ و ۲. گاهی هم این جابجایی تفاوت محسوسی ایجاد نمی کند، مانند مثال های ۳ و ۴ که اگر جای «که» در آنها به قبل یا بعد از «هنوز» منتقل شود اختلاف مهمی در مفهوم ظاهر نمی شود. در تمام کاربردهای گفتاری، می توان «که» را در آخر جمله قرار داد، مانند مثال ۵؛ این جابجایی گاهی باعث خنثی شدن تقابلی می شود که در غیر این صورت می تواند آشکار شود. مثلاً اگر در مثال های ۱ و ۲ گفته می شد «ما از شما دعوت کردیم که» تمایزی که فعلاً بین این دو جمله وجود دارد (و اولی روی «ما» و دومی روی «شما» تکیه می کند) خنثی می شد.

ب. ابراز نارضایی در بافت غیرزبانی

مقصود از بافت غیرزبانی موقعیت یا مجموعه شرایط محیطی است که زبان در هر لحظه در ارتباط با آن به کار می رود و چگونگی آن ممکن است در زبان منعکس گردد. مفهوم نارضایی «که» در اینجا برای اعتراض به گفته شخص دیگری نیست بلکه برای ابراز ناخرسندی نسبت به رفتار مخاطب یا نسبت به رویدادیست که برخلاف میل گوینده در محیط رخ داده است، مانند مثال های زیر:

واکنش زبانی گوینده

۱. خطاب به پیشخدمت رستوران آقا این سوپ که یخ کرده
۲. خطاب به کسی که تنه زده آقا شما که شانه بنده را خرد کردید
۳. خطاب به همسر که از پای میز تو هم که دیگه (دیگر) شورش را درآوردی
آرایش بلند نمی شود
۴. خطاب به کسی که باید نامه ای را تو که نامه را پست نکرده ای
پست می کرده و نکرده

در تمام مثال های بالا «که» را می توان به آخر جمله انتقال داد. گاهی اوقات «که» در جای اصلی خود می ماند ولی «که» دیگری به آخر جمله افزوده می شود، مثلاً مثال شماره ۴ به این صورت درمی آید «تو که نامه را پست نکرده ای که». می توان در یک جمله به چند چیز اعتراض کرد، در این صورت تکرار «که» ضرورت پیدا می کند. مثلاً

مثال شماره یک را می‌توان چنین بسط داد «آقا این چه وضعی است؟ این سوپ یخ که کرده، بشقابش که شکسته، مزه هم که ندارد!».

۲. پاسخ به یک سؤال ضمنی

در این کاربرد گوینده «که» را در مقام اعتراض به گفته یا رفتار شخص دیگری به کار نمی‌برد. در اینجا رشته کلام در دست خود اوست و به نظر می‌رسد که به یک سؤال فرضی یا ضمنی پاسخ می‌گوید و از «که» برای توجیه گفته خود استفاده می‌کند، مانند مثال‌های زیر (سؤال‌های فرضی یا ضمنی در داخل پرانتز گذارده شده است):

۱. برای گرفتن همین ورقه پنج روز دوندگی کردم، (چرا؟) آخه این کارها که آسان نیست.

۲. می‌خواهم قرض او را بدهم و دیگر رویش را نبینم، (چرا؟) تو که او را خوب می‌شناسی.

۳. ماشین را از سرویس نگرفته دوباره خراب شد، (چطور؟) این روزها که وجدان کاری باقی نمانده.

۴. امید به بهبودی او خیلی کم است، (دکتر او خوب نیست؟) وقتی آدم خیلی پیر باشد که دکتر نمی‌تواند معجزه کند.

۳. برای گرفتن تصدیق از شنونده

در اینجا گوینده اطمینان دارد که مطلب او مورد تأیید شنونده است و در واقع می‌خواهد از او لفظاً تصدیق بگیرد. کاربرد «که» در این جمله‌ها نشان دادن اطمینان گوینده از یک طرف و جلب تصدیق شنونده از طرف دیگر است. این جمله‌ها پرسشی نیستند زیرا همیشه همراه با آهنگ افتان هستند و هیچ وقت نمی‌توانند با آهنگ خیزان که شاخص عمده جملات پرسشی است به کار روند. با وجود این، چون همیشه تصدیقی را از شنونده انتظار دارند، پرسشی به نظر می‌رسند، مانند جمله‌های زیر:

بافت غیرزبانی	اطمینان یابی گوینده	پاسخی که انتظار می‌رود
۱. قرار بوده تلگرافی مخابره نشود	تلگراف را مخابره نکرده‌ای که (؟)	نه هنوز
۲. قرار بوده کسی در ساعت مقرری	شما حاضرید که (؟)	بله، مدت‌ها است

حاضر باشد

۳. دو نفر قرار است به یک مهمانی بروند
شما چهارشنبه خانه پرویز می‌آید که (؟)
به احتمال قوی
۴. قرار بوده تا اطلاع بعدی حرکت نکند
شما هنوز حرکت نکرده‌اید که (؟)
نه، هنوز نه

البته دادن جواب‌هایی که خلاف مطلب گوینده باشد غیر ممکن نیست ولی رنگ عاطفی جمله از این حکایت می‌کند که گوینده انتظار شنیدن آن را ندارد یا تظاهر می‌کند که انتظار شنیدن آن را ندارد. در این کاربرد، قرار گرفتن «که» در آخر جمله رایج‌تر است ولی تنها صورت ممکن نیست.

گذشته از داشتن آهنگ افتان، دلیل دیگری که نشان می‌دهد جملات بالا پرسشی نیستند (و به همین دلیل علامت سؤال آنها داخل پرانتز گذاشته شده) اینست که در بافت غیرزبانی دیگری می‌توانند از نوع جملات اعتراضی باشند، چنانکه در قسمت ب از شماره ۱ ذکر شد. مثال‌های زیر این دو کارگی را روشن می‌سازد:

تعبیر	جمله	یافت غیرزبانی
اعتراض	تلگراف را مخابره نکرده‌ای که	۱. قرار بوده تلگرافی مخابره شود و نشده
اطمینان	تلگراف را مخابره نکرده‌ای که	قرار بوده تلگرافی مخابره نشود
اعتراض	شما حرکت کرده بودید که	۲. قرار بوده کسی قبل از ساعتی حرکت نکرده باشد و کرده
اطمینان	شما حرکت کرده بودید که	۳. قرار بوده کسی قبل از ساعتی حرکت کند

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که از نظر صوری تمایزی بین شماره ۳ و قسمت ب از شماره ۱ وجود ندارد و فقط شرایط یا بافت غیرزبانی است که دو وظیفه متفاوت بر «که» در این دو مورد حمل می‌کند.^۱

۱. لازار (G. Lazard) در کتاب دستور فارسی معاصر

استعمال «دیگر» در فارسی گفتاری^۱

«دیگر» از کلماتی است که در فارسی به عنوان صفت، اسم یا ضمیر، و قید به کار می‌رود. در اینجا کاربرد قیدی آن مورد نظر است. معنی «دیگر» را می‌توان به طور مبهم «بیش از این» یا «از این پس» دانست ولی معنی دقیق آن بسته به ساختمان فعلی که با آن به کار می‌رود تفاوت می‌کند و گاهی این تفاوت بسیار قابل توجه است. ما در زیر به برخی از این تمایزات اشاره می‌کنیم.

۱. «دیگر» همراه وجه امری

الف. وقتی «دیگر» با فعل نهی (امر منفی) به کار رود، گوینده از شنونده می‌خواهد که کاری که تا آن زمان ادامه داشته و ادامه آن مورد تأیید گوینده نیست از این پس دنبال نشود، مانند مثال‌های زیر (مثال‌ها در این بخش با تلفظ گفتاری آورده شده‌اند). این کاربرد در فارسی نوشتاری نیز وجود دارد.

حرف نزد دیگه معطل نکن دیگه نیاید دیگه بچه بازی درنیار دیگه نیاد دیگه

ب. وقتی «دیگر» با فعل امر (مثبت) به کار رود، گوینده عکس حالت اول را از شنونده خواستار می‌شود: کاری که تا آن زمان صورت نگرفته و تأخیر آن مورد تأیید گوینده نیست، باید فوراً آغاز شود. مانند مثال‌های زیر:

بیا دیگه ول کن دیگه حرف بزنی دیگه بگیرش دیگه بخواب دیگه

برای اینکه تضاد این دو کاربرد روشن‌تر شود می‌توان به ترجمه آنها به انگلیسی و فرانسه توجه کرد: در مثال‌های قسمت الف، «دیگر» را می‌توان به انگلیسی any more و به فرانسه plus ترجمه کرد (مثلاً don't speak any more یا ne parle plus حرف نزن دیگه) ولی در مثال‌های قسمت ب «دیگر» را نمی‌توان چنین ترجمه کرد. «دیگر» در این

به کاربردهای ویژه «که» در فارسی گفتاری اشاره کرده و مثال‌های زیادی جمع‌آوری کرده است. ولی طبقه‌بندی کاربردها نادرست و مثال‌های ذکر شده عموماً نامربوط و گاهی به کلی غلط است. گاهی معنی دقیق جملات فارسی را درنیافته و در نتیجه ترجمه فرانسه آنها هم غلط از آب درآمده است. با وجود این، باید به کار او ارج گذاشت زیرا تا آنجا که نویسنده می‌داند او اولین کسی است که به کاربرد گفتاری «که» اشاره کرده است.

۱. از دکتر علی اشرف صادقی سپاسگزارم که اول بار توجه نویسنده را به کاربرد ویژه «دیگر» در فارسی گفتاری جلب کرد. تذکر او موجب شد که نویسنده بررسی در این زمینه را دنبال کند.

کاربرد گفتاری معمولاً در پایان جمله قرار می‌گیرد.

۲. «دیگر» در جمله‌های پرسشی

الف. وقتی «دیگر» در جمله‌های پرسشی به کار می‌رود معنی آن برابر است با «از این به بعد» یا «از این بیشتر». مثال‌های زیر کاربرد «دیگر» را در جمله‌های پرسشی مثبت نشان می‌دهد:

تو دیگه می‌آیی؟ (تو از این به بعد می‌آیی؟)

تو می‌خواهی دیگه؟ (تو از این بیشتر می‌خواهی؟)

در جمله‌های پرسشی مثبت می‌توان به جای «دیگر» اصطلاح «باز هم» را به کار برد (و می‌توان آن را به فرانسه encore و به انگلیسی again یا more ترجمه کرد).

ب. مثال‌های زیر «دیگر» را در جمله‌های پرسشی منفی نشان می‌دهد:

تو دیگه نمی‌آیی؟ (تو از این به بعد نمی‌آیی)

تو دیگه نمی‌خواهی؟ (تو از این بیشتر نمی‌خواهی)

در این نوع جمله‌ها «دیگر» می‌تواند در آخر یا در متن جمله قرار گیرد و معمولاً این جابجایی اختلاف معنایی ایجاد نمی‌کند.

۳. «دیگر» در جملات خبری

الف. وقتی «دیگر» در جمله‌های خبری مثبت به کار رود رنگ‌های معنایی و عاطفی زیادی به خود می‌گیرد که گاهی نزدیک به هم و گاهی از هم کاملاً متمایز هستند. بافت‌های مختلف زبانی و غیرزبانی و آهنگ صدا در ایجاد این نوسان‌ها نقش مهمی به عهده دارند. ما در زیر به چند مورد که بارزتر به نظر می‌رسند اشاره می‌کنیم:

اول - گاهی «دیگر» برای بیان رویدادی به کار می‌رود که گوینده فکر می‌کند باید آن را تمام شده تلقی کرد و به عنوان یک واقعیت پذیرفت. این جمله‌ها اغلب یک هاله «بی‌تفاوتی» در اطراف خود دارند، مانند جمله‌های زیر:

آمد دیگه شد دیگه پیش آمد دیگه رفت دیگه زندگی است دیگه

دوم - گاهی «دیگر» برای نشان دادن اعتقاد یا عدم تردید گوینده به آنچه می‌گوید به کار می‌رود، مانند جمله‌های زیر:

بازی درآورده دیگه پول ما را گرو کشیده دیگه

می‌آید دیگه خوب شد دیگه

در این کاربرد اگر «دیگر» در آغاز جمله قرار گیرد، نیروی بیشتری پیدا می‌کند و اعتقاد راسخ‌تری را نشان می‌دهد، مانند: «دیگه بازی در آورده»، «دیگه خوب شد»، «دیگه می‌آید» که در مقایسه با مثال‌های قبلی تأکید بیشتری دارند. «دیگر» در این جایگاه اغلب فشار بر است؛ یعنی تکیه (stress) روی آن قرار می‌گیرد.

سوم - گاهی «دیگر» برای این به کار می‌رود که نشان دهد رویدادی که مورد بحث است پیش از این زمان رخ داده است. در این کاربرد «دیگر» معادل déjà در فرانسه و already در انگلیسی است، مانند مثال‌های زیر:

خیلی دیرگفتی؛ نامه را فرستاد دیگه

می‌روی فرودگاه چه کنی؟ احمد آمد دیگه

رفتن آنجا بی‌فایده است؛ حالا دیره دیگه

ب. وقتی «دیگر» در جمله‌های خبری منفی به کار رود مبهم خواهد بود مگر اینکه بافت زبانی یا غیرزبانی مفهوم دقیق آن را روشن کند. یکی از این معانی همانست که در قسمت ب از شماره ۲ بحث کردیم (پس از این، بیش از این). معانی دیگر آن را در قسمت الف از شماره ۳ بحث کردیم (به استثناء معنی سوم). مثلاً جمله زیر می‌تواند لاقلاً سه تعبیر مختلف داشته باشد:

از روزی که به او تذکر دادم این کار را نکرده
است

حق بود که بلافاصله به پلیس خبر می‌داد،
ولی این کار را نکرده

این کار را نکرده دیگه

علت اینکه تلفن نکرده اینست که کار را صورت
نداده (به اعتقاد گوینده)

۴. «دیگر» در پاسخ سؤال

«دیگر» می‌تواند در پاسخ جمله‌هایی که چرایی موضوع را سؤال می‌کنند به کار رود. در این کاربرد معنی «دیگر» را می‌توان «برای اینکه» دانست، مانند جمله‌های زیر:

چرا نمی‌روی؟ کار دارم دیگه

چطور شد نیامدی؟ برادرم آمد دیگه
گاهی اوقات گوینده برای درز گرفتن سؤال و جواب یا از روی رنجش یا لجبازی با
سؤال‌کننده، در پاسخ سؤال او فقط می‌گوید «دیگه».
چرا نمی‌روی؟ دیگه! چرا به کسی نگفتی؟ دیگه!

استعمال «آخه» در فارسی گفتاری

اگرچه «آخه» صورت کوتاه شده «آخر» است، باید توجه داشت که این دو واژه در
فارسی امروز به جای هم به کار نمی‌روند (مگر در یک مورد که شرح آن خواهد آمد) و
از آنجایی که دو کاربرد متفاوت دارند باید آنها را دو واژه جداگانه شناخت. «آخر» که در
گفتار بیشتر به صورت «آخرش» به کار می‌رود، در فارسی معنی «در پایان، سرانجام،
بالاخره» و مانند آن را دارد، مانند مثال‌های زیر:

نمی‌خواست بیاید ولی آخرش (آخر) راضیش کردم

آخرش (آخر) حرف خودش را به کرسی نشاند

نرو، آخرش (آخر) پشیمان می‌شوی

در هیچ‌یک از این مثال‌ها «آخه» را نمی‌توان به جای «آخر» به کار برد. از طرف دیگر

«آخر» هم در هیچ‌یک از مثال‌های زیر نمی‌تواند به جای «آخه» به کار رود:

آخه دل آدم برایش می‌سوزه

آخه اون خیلی طولش می‌ده

آخه بس کن، چقدر سماجت می‌کنی^۱

کاربرد عاطفی «آخه»

«آخه» مانند «که» که قبلاً بحث شد در جمله کاربرد دستوری ندارد: کاربرد آن فقط

عاطفی است. رنگ عاطفی که این کلمه به جمله می‌بخشد بسته به ساختمان فعلی که با

آن به کار می‌رود تفاوت می‌کند.

۱. در آثار قدیم «آخر» در مفهوم «آخه» امروز به کار می‌رفته است. حافظ می‌گوید:

دلا چندم بریزی خون ز دیده شرم دار آخر تو هم ای دیده خوابی کن مراد دل برآر آخر
شادروان دکتر محمد مقدم توجه مرا به این نکته جلب کرد و این شاهد را نیز ذکر کرد.

۱. «آخه» در پاسخ جمله‌های پرسشی

«آخه» در پاسخ جمله‌های پرسشی برای تقویت توجه پاسخ‌گوینده به کار می‌رود. وی فرض می‌کند که شنونده از دلیل او خبر دارد یا آن را به علت آشکار بودن خواهد پذیرفت. در این کاربرد می‌شود کلمه «می‌دونی» را به جای «آخه» استعمال کرد:

چرا کارت را ول کردی؟	آخه خیلی خسته کننده بود
چطور شد که خودت نیامدی؟	آخه ماشین نداشتم
از کی شروع به کار می‌کنی؟	آخه هنوز که رسماً به من نگفته‌اند
چرا نمی‌مانی؟	آخه خیلی کار دارم

۲. «آخه» در جمله‌های خبری

«آخه» به جمله‌های خبری رنگ نارضایی یا شگفتی می‌دهد، مانند جمله‌های زیر:

گوینده اول	گوینده دوم
خوبه این را در روزنامه آگهی کنیم	آخه این کار بوق و کرنا نمی‌خواد
حق بود تو پیش او می‌ماندی	آخه خودت گفتی بیا که آدمم
زن باید همیشه حرف شوهرش را گوش کند	آخه من هم برای خودم آدمی هستم
می‌خواهم این فرش را بدهی رفو کنند	آخه اینکه ارزش رفو کردن ندارد

۳. «آخه» در جمله‌های امری

در این جمله‌ها «آخه» نشان‌دهنده اصرار گوینده است که مخاطب کاری را انجام دهد یا ندهد، مانند جمله‌های زیر:

آخه طلب او را بده و خودت را راحت کن
آخه کاری نکن که او به تنگ بیاد
آخه هر طور شده بیا، بی‌تو صفایی نداره
آخه نگذار کار به جاهای باریک بکشد.

۴. «آخه» در جمله‌های پرسشی

«آخه» در جمله‌های پرسشی بیان‌کننده اعتراض یا تعجب گوینده است، مانند

جمله‌های زیر:

آخه کوری بچه؟

آخه این را اسمش می‌گذاری چی؟

آخه تاکی می‌خوابی؟

آخه این هم شد زندگی؟

آخه این چه حرکتی است؟

فقط در جمله‌های پرسشی است که گاهی «آخه» به معنی «آخر» به کار می‌رود. در این صورت اگر فحوای کلام برای توجیه معنی کافی نباشد، جمله مبهم خواهد بود. مثلاً جمله زیر می‌تواند دو تعبیر داشته باشد:

بالاخره به چه وسیله‌ای می‌روی؟

(در حالی که مادرت مریض است) چطور

حاضر می‌شوی بروی؟

آخه چطور می‌روی؟

استعمال «ها» در فارسی گفتاری

«ها» در فارسی گفتاری همیشه در آخر جمله قرار می‌گیرد. وقتی تکیه داشته باشد «ها» و وقتی تکیه نداشته باشد «آ» تلفظ می‌شود. اضافه کردن این لفظ به پایان جمله علامت هشدارگوینده به شنونده است و هیچ نوع نقش دستوری به عهده ندارد:

دیر میشه ها!

بچه را می‌ندازی ها!

سرما می‌خوری ها!

اتوبوس می‌ره ها!

آهنگ در اینگونه جمله‌ها همیشه افتان است ولی اغلب روی «ها» خیز می‌گیرد و سپس کمی فرو می‌افتد.